

گزارش «صبا» از برگزاری سی‌امین نشست ماهانه آیین آواز

# طنین «در دواره‌ها» در ارسباران

زینب ملابری  
گزارش

سی‌امین نشست تخصصی آموزشی آیین آواز در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد. در نشست این ماه که هشت برنامه مختلف و متنوع از سوی باشگاه موسیقی ارسباران (برگزارکننده نشست) تدارک دیده شده بود ابتدا مژگان رسولی پشت تریبون قرار گرفت و از راه‌اندازی بخش تازه‌ای در آیین آواز با عنوان «متولدان و درگذشتگان ماه» خبر داد. آواز روی تقویم، تاریخ تولد یا وفات همه هنرمندان متولد یا درگذشته در بهمن ماه را استخراج کرده بود و ضمن نام بردن این افراد، زادروز زندگان را به آن‌ها تبریک گفت و برایشان آرزوی سلامتی و طول عمر کرد. برای روح درگذشتگان هنر ملی آواز نیز طلب شادی و مغفرت کرد و یادشان را گرامی داشت. رسولی سپس از کاوه دیلمی؛ خواننده شیوه آوازی استاد زنده‌یاد غلامحسین بنان، یاد کرد که در همین بهمن‌ماه امسال درگذشته و دو سه هفته بیشتر از زمان درگذشتش نمی‌گذرد. در ادامه ضمن قرائت شرح مختصری از زندگی و فعالیت‌های هنری زنده‌یاد کاوه دیلمی توسط مژگان رسولی، برای حضاران در ارسباران کلیپی هم از یکی از آثار او با نام «یاد یار مهربان» پخش شد که در رثا و ستایش از استادش بنان و در همراهی با هنرمندانی همچون فرهاد فخرالدینی و حسین علیزاده به یادگار مانده است.

ممکن بود متعاقباً برایشان به وجود بیاید مزاحم آن‌ها نمی‌شدند. از طرف دیگر هم مأموران شهربانی که آن‌ها را می‌شناختند و در قانون رایج در کشور که بعد از انقلاب مشروطه تا حدود زیادی از قوانین شرع جدا شده بود، می‌دانستند که این حرکت مغایر با عرف جامعه آن روز است اما دستورالعملی برای مقابله در دست نداشتند و هرگاه با آن‌ها روبه‌رو می‌شدند با احترام تا شهربانی همراهی‌شان می‌کردند و پس از تماس با خانواده‌هایشان کسی از مردان خانواده می‌آمد و آن‌ها را به منزل می‌رساند. این وضعیت در گزارش‌های شهربانی چندان تکرار شده است که مشخصاً نشان می‌دهد حداقل نام قمر در آن زمان در میان این دختران و زنان بی‌حجاب نبوده است. مگر این که قمر را اولین خواننده زنی بدانیم که به‌طور رسمی بدون حجاب روی صحنه رفته است که در این باره نیز ظاهراً وی کاری مغایر با قانون رایج در زمان خودش انجام نداده است. وی افزود: نکته دیگر این که مردم و بخشی از روشنفکرانی که آگاه به متون و اسناد تاریخی آن دوره نیستند این اشتباه را در مورد ضبط صفحات منسوب به قمر هم تکرار می‌کنند. به‌طوری که می‌دانیم تاریخ اولین ضبط صفحات با صدای زنان ایرانی مربوط به ۱۲۹۱ است که از صدای سه زن خواننده توانا به نام‌های افتخارخانم، زری خانم و امجدخانم حدود ۱۴۰ اجرا در قالب ۷۰ صفحه دورو ضبط می‌شود که بخشی از آن‌ها شامل آوازهای مختلف و تصنیف‌هایی از عارف قزوینی است. در حالی که صفحات قمر طی چهار دوره تاریخی ضبط صفحه یعنی سال‌های ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ و ۱۳۱۱ صورت گرفته و طی آن ۲۱۰ اثر از این بانوی هنرمند و ارجمند ضبط شده است.

کاظمی گفت: به نظر می‌رسد حافظه تاریخی، فرهنگی و موسیقایی ما طی چند سال گذشته مانند فیلم «فراموش‌شدگان» جوزف رابن کلاز بین رفته است، به حدی که حتی برخی دانشجویان دانشگاه تهران هم نمی‌دانند حافظ کیست و فایل صوتی مصاحبه‌ای را که با این دانشجویان انجام شده پخش کردم تا آن‌ها را برای شما شاهد بگیرم که بررسی دقیق این صفحات به‌عنوان تنها منبع شنیداری ما از اهمیت ویژه‌ای برای شناخت بخشی از پیشینه فرهنگ و هنر ما ایرانیان برخوردار است. هر چند متأسفانه فرهنگ موسیقایی ایرانیان همچنان به کوه یخی می‌ماند که به رغم آن که آنچه بیرون از آب مشاهده می‌شود خیلی عظیم به نظر می‌رسد اما این تنها ۱۰ درصد حجم واقعی آن است و ۹۰ درصد باقیمانده آن در زیر آب قرار دارد و به همین سبب است که با وجود این همه تهاجم تاریخی بیگانگان هنوز هم بنیادهای آن محفوظ باقی مانده است.

آوازخوانی داود مسلمی؛ ردیف‌دان قدیمی (از شاگردان استادان حسین قوامی و اسماعیل مهرتاش و همنشین زنده‌یاد استاد اصغر بهاری) در دستگاه شور به همراه تار مهدی صادقیان، اجرای مهدی اصغرپور شامل آواز شوشتری در دستگاه همایون به همراه یک تصنیف به زبان ترکی که پیام امیرباهنر نوازنده تار این بخش بود، آوازخوانی و اجرای تصنیف توسط امیر عبدالعظیمی در همراهی با محمدحسین مجد؛ نوازنده سنتور، میلاد قریشی؛ نوازنده سازهای کوبه‌ای، احسان بسی‌خواستنده؛ کمانچه و سعید میرزاحسینی؛ نی و سرانجام هم اجرای آواز ابوعطا توسط بهمن کاظمی به همراه سه‌تار خواش زاکلین کاظمی از دیگر بخش‌های ارائه‌شده در این نشست بودند.

در پایان، حمید سهرابی؛ مجری برنامه، اعلام کرد که سی‌ویکمین نشست آیین آواز ساعت ۱۸ سه‌شنبه ۱۴ اسفند در فرهنگسرای ارسباران برگزار خواهد شد.

اعرابی گفت: «در دواره‌ها» اگر چه متناسب با محتوای غنی و غمگین شعر، بر بنیادهای ردیف آوازی (بیات اصفهان و همایون) شکل گرفته است، ولی تسلط خواننده بر وجوه اجتماعی و حالات غیر تغزلی شعر و اهتمام آهنگساز برای چندصدایی کردن ارکستر، سبب شده تا مخاطب، با اثری صرفاً سنتی و در حوزه ردیف روبه‌رو نشود.

اعرابی در پاسخ به حزن بیش از حد اثر خاطر نشان کرد که با شعر شاعری دردمند طرفیم و در دورگی او آنچنان که در خود شعر نیز گویاست، ماهیتی اجتماعی دارد. در این شعر یک سطر و حتی یک کلمه که غباری از عادت‌های شاعرانگی از قبیل هجر و فراق و معشوق و میخانه و خط و زلف یار در خود داشته باشد وجود ندارد.

وی افزود: اساساً موضوع غم در موسیقی آوازی ایران بحث جدیدی نیست و چه بسا طرح مسئله نابجایی هم باشد. چه غمگین چه شاد به‌طریق اولی آواز باید سالم باشد. ضمن این که حالات انسانی منحصر به دو واژه کلی غم و شادی نیست. حیرت، خشم، تفکر، طرب، شیدایی و بسیاری دیگر از حالات در بروزات انسانی نهفته است. غم این اثر نیز تابعی از اندوه شاعرانگی آن است و قطعاً غمی شخصی یا اندوهی جعلی از جنس پیشمار غم‌های عاشقانه در اشعار نیست و اگر جایی از روح کسی را به درد آورده باشد، باید به سالم بودن اجرا امیدوار باشیم.

در ادامه نوبت به بهمن کاظمی و جاوید عباسی‌فلاح رسید که به‌عنوان مهمان ویژه و کارشناس مجری نشست به بحث و بررسی صفحه‌های ضبط‌شده دوره اول ضبط موسیقی ایرانی بپردازند.

کاظمی گفت: متأسفانه تأثیرات سیاست‌زدگی روزمره و ضرباتی که مردم ما از عام و خاص طی سال‌های گذشته بر اثر این سیاست‌های ناپایدار روزانه متحمل شده‌اند، باعث شده تا نگاه علمی که نگاهی غیرجانبدارانه و بی‌طرفانه به موضوعات فرهنگی و هنری است برداشته شود. مردم و حتی روشنفکران ما علت برخی ناسامانی‌های اکنون را به گذشته نیز تسری می‌دهند. به‌عنوان نمونه هنگامی که از شخصیتی مانند قمر الملوک وزیری یاد می‌کنند ابتدا می‌گویند وی نخستین زن ایرانی معاصر بوده که حجاب از سر برداشته و اولین زنی که صدای او بر صفحات ضبط شده است... یعنی این دو موضوع را به‌شکلی مبهم این‌گونه به یکدیگر گره می‌زنند ولی در نزد پژوهشگران علمی تاریخ معاصر که موضوعات را بدون نگاه جانبدارانه و شخصی بررسی می‌کنند هیچ‌یک از دو موضوع فوق صحیح نیست. در بحث تمایل به برداشتن حجاب که بحثی از نظر فرهنگی و وابسته به طبقه اجتماعی و فرهنگی خاص است بر اساس اسناد تاریخی که بخش‌هایی از آن‌ها هم‌اکنون در مراکز مطالعات تاریخی موجود است و امکان دسترسی کلیه پژوهشگران به این اسناد وجود دارد، در بخش‌هایی از گزارش‌های روزانه اداره شهربانی تهران حتی نزدیک به پنج سال قبل از به حکومت رسیدن رضاخان و انقراض حکومت قاجار در تهران چند دختر از طبقه رجال آن دوره وجود داشتند که باتوجه به جایگاه خانوادگی‌شان که با خانواده‌ها و زنان و دختران ساکن در سفارت‌های ایران در ارتباط بودند و در مهمانی‌های یکدیگر شرکت می‌کردند و با زبان‌های خارجی نیز باتوجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی خانواده‌هایشان آشنا بودند و تسلط داشتند، تعدادی از این دختران در خیابان‌های تهران در آن سال‌ها بدون حجاب رفت‌وآمد می‌کردند. از طرفی افراد غیرتمند مذهبی و نیز برخی از جوانان که می‌توانستند مزاحمت‌هایی را برای آنان به وجود بیاورند از ترس نفوذ خانواده‌های این دختران و مجازات‌هایی که

با پایان این بخش حمید سهرابی؛ خواننده و مجری نشست، روی صحنه آمد و پس از خواندن دو بیت آواز به سنت و سیاق همیشگی خودش از امیرمهدی زمانی درخواست کرد تا روی صحنه بیاید. این نوجوان ۴ ساله که توسط استاد مهدی قارداشی به برگزارکنندگان برنامه معرفی شده بود آواز و تصنیفی را در ابوعطا به همراه تار داود شیرزادخانی با تسلط و گرمی اجرا کرد و همگان را به حیرت انداخت. در پایان این بخش نیز مخاطبان، او و معلم آوازش مجتبی قارداشی را حسابی تشویق کردند.

در ادامه نوبت به مسعود اعرابی؛ خواننده، کارشناس ارشد و مدرس ادبیات فارسی، رسید که به اتفاق گروه همراهش روی صحنه آمدند. شاید بتوان یکی از اتفاق‌های ویژه نشست اخیر آیین آواز را اجرای رپر تواربی با عنوان «در دواره‌ها» توسط این گروه دانست. اعضای گروه عبارت بودند از: سرپرست گروه و نوازنده تار: ماهور صفری، سنتور: علیرضا عرفانی، کمانچه: فرشته یاراحمدی، بم‌تار: عرفان حسام‌پور و تمبک: امین زارع. «در دواره‌ها» که عنوان خود را از شعری با همین نام از زنده‌یاد قیصر امین‌پور گرفته است، قطعه‌ای بود تنظیم‌شده برای آواز و ارکستر.

بداعت «در دواره‌ها» در اجرای آوازی شعری نیمایی تعریف می‌شود. اگر چه مسعود اعرابی؛ خواننده اثر، در نشست نقد و بررسی اجرای خود عنوان کرد: امتیاز این شکل از همجواری آواز ایرانی و شعر نیمایی را باید متعلق به استاد شهرام ناظری دانست. او معتقد است تجربه‌های قدیمی تری مثل «گریز» از استاد نادر گلچین و «پر کن پیاله را» و «زمستان است» از استاد شجریان، بیشتر متعلق به آهنگسازان این آثار است تا آوازخوانان اعرابی که در پایان اجرای خود و گروه همراهش از حضاران خواست تا اجرای آن‌ها را نقد کنند و به این ترتیب به همراه ماهور صفری و همچنین حمید سهرابی؛ مجری نشست، روی صحنه منتظر بیان نظرهای حضار ماند، «در دواره‌ها» می‌آوازی خودش را در ادامه تجربه‌های استاد شهرام ناظری، از نوع یک رفتار دغدغه‌مند، جدی و مهندسی‌شده یک آوازخوان ایرانی با شعر نیمایی تعریف و تبیین کرد.

